

خبر

خداحافظی نتانیاھو با زندگی سیاسی

● در پی دیدار یکشنبه‌شب بنیامین نتانیاھو، نخست‌وزیر سابق اسرائیل و خانواده‌اش با تیم وکلای او، احتمال به‌دست‌آمدن توافق میان او با دادستان کل اسرائیل تقویت شده است.

بر اساس گزارش رسانه‌های اسرائیلی، با وجود مخالفت شدید همسر و فرزندان نتانیاھو، نخست‌وزیر سابق به وکلای خود گفته مذاکرات با اویخای مندل بلیت، دادستان کل اسرائیل را آغاز کنند.

در روزهای اخیر، گزارش‌هایی مبنی بر احتمال توافق میان نتانیاھو و مندل بلیت در رسانه‌های اسرائیلی منتشر شده است. بر اساس این گزارش‌ها، اگر چنین توافقی بتواند تا دو هفته دیگر که دوران خدمت مندل بلیت تمام می‌شود به دست آید، نتانیاھو دست‌تکم به یکی از موارد اتهامی خود اعتراف می‌کند و در برابر، باقی موارد اتهامی علیه او حذف می‌شود.

در چنین شرایطی، نتانیاھو علاوه بر مجازات‌هایی مانند جریمه نقدی یا خدمات اجتماعی، ناچار خواهد بود از زندگی سیاسی نیز خداحافظی کند.

انتشار این گزارش‌ها با واکنش‌های بسیاری در اسرائیل روبه‌رو شد. بر اساس نظرسنجی‌ها، اکثر اسرائیلی‌ها با چنین توافقی مخالف‌اند. هواداران نتانیاھو او را بی‌گناه می‌دانند و نمی‌خواهند او به هیچ جرمی اعتراف کند و مخالفان او نیز خواهان محاکمه او هستند.

از سوی دیگر، با قوت‌گرفتن احتمال کناره‌گیری نتانیاھو از زندگی سیاسی، بار دیگر این سؤال مطرح شده است که چه کسی در حزب لیکود جانشین او خواهد شد؟ بر اساس نظرسنجی‌ها از اعضا و هواداران لیکود، در حال حاضر «نیر برکت»، شهردار پیشین اورشلیم، بیشترین بخت را برای ریاست لیکود پس از نتانیاھو دارد. برکت با اختلاف بسیاری از یوسی کوهن، رئیس پیشین موسسه که البته هنوز عضو حزب لیکود و نامزد ریاست آن نشده، پیش است.

همچنین، این سؤال مطرح شده که آیا در صورت کناره‌رفتن نتانیاھو از زندگی سیاسی، کابینه کنونی که اصلی‌ترین دلیل تشکیل آن مخالفت همه احزاب درون ائتلاف با شخص نتانیاھو بود، به کار خود ادامه خواهد داد یا برخی احزاب راست‌گرا از آن خارج شده و با حزب لیکود با رهبری جدید ائتلاف کرده و کابینه‌ای راست‌گرا تشکیل خواهند داد؟ در واکنش به این موضوع، نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسرائیل، روز گذشته گفت کابینه او باثبات است و فارغ از اینکه نتیجه پرونده نتانیاھو چه شود، او به کار خود ادامه خواهد داد. هم‌زمان، نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد اکثریت اسرائیلی‌ها خواهان ادامه کار کابینه ائتلافی کنونی هستند.

ماشین آزمایش‌های موشکی کره‌شمالی دوباره به کار افتاده است؛ پیونگ‌یانگ که تا مدت‌ها بعد از شکست مذاکراتش با دولت سابق ایالات متحده دست به اقدام جدیدی نزوده بود، در دو هفته گذشته چهار بار اقدام به پرتاب و آزمایش موشک‌های بالستیک ناشناخته خود کرده است.

در دو مورد اول، «موشک‌های مافوق صوت» پرتاب شده بودند که سرعت و قدرت مانور پس از پرتاب بالایی دارند و در آزمایش سوم نیز دو موشک بالستیک کوتاه‌برد از واگن‌های قطار شلیک شدند؛ اما روز گذشته برای چهارمین بار دو موشک بالستیک کوتاه‌برد از فرودگاه پیونگ‌یانگ شلیک شد.

کره‌شمالی در سال ۲۰۱۷ نیز در همین فرودگاه، موشک بالستیک میان‌برد هواسونگ-۱۲ را با حضور کیم جونگ اون، رهبر این کشور، آزمایش کرده بود. بنا بر اعلام رئیس ستاد مشترک ارتش کره‌جنوبی، موشک‌های آزمایش‌شده جدید حدود ۳۸۰ کیلومتر را طی کرده و حداکثر تا ۴۲ کیلومتر ارتفاع گرفته‌اند.



جان بولتون
مشاور امنیت ملی دولت ترامپ

چرا کره‌شمالی این‌قدر آرام و ساکت به نظر می‌رسد؟ روسیه نیروهای خود را به قزاقستان فرستاده و همچنین ماه‌هاست اوکراین را تهدید می‌کند. چین هم قصد اشغال تایوان را دارد و به اقدامات تنجالی خود در دریای چین جنوبی ادامه می‌دهد. ایران برای احیای محجد توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ در حال انجام مذاکراتی پیچیده با نمایندگان دولت جو بایدن است و هم‌زمان مقام‌های آمریکایی را تهدید می‌کند. طالبان آمریکا را وادار به خروج فاجعه‌آمیز از افغانستان کرده و داعش شاخه خراسان و القاعده موقعیت بهتری را برای طراحی حملات تروریستی در سرسازر جهان در اختیار دارند. در چنین وضعیتی، اعتبار جو بایدن روز به روز در حال کاهش است.

آیا در این میان کره‌شمالی در حال فرصت‌سوزی است یا اینکه واشنگتن انفعال آشکار پیونگ‌یانگ را اشتباه تفسیر می‌کند؟ هرگز نباید انفعال ظاهری در کره‌شمالی را به این معنا قضاوت کنیم که تهدیدات هسته‌ای و بالستیک رژیم پیونگ‌یانگ فروکش کرده است. کارشناس حاسی و توجیه‌کننده کره‌شمالی برای چندین دهه با ناظران تحولات این کشور که به‌طور واقع‌بینانه نسبت به اهمیت و زمان آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی، مانورها و رزه‌های نظامی و سخنرانی‌های رهبران کره‌شمالی هشدار می‌دهند، موش و گربه بازی کرده و اقدامات این کشور را کم‌اهمیت تلقی کرده و بحران کره‌شمالی را ناشی از سیاست‌های غرب می‌دانند.

جهان

چهارمین آزمایش در کمتر از ۲ هفته؛ تمرینی برای روز مبادا

فرماندهی اقیانوس هند-آرام ارتش ایالات متحده، در واکنش به پرتاب‌های روز گذشته همچون آزمایش موشکی جمعه، با اشاره به اینکه پرتاب این موشک تهدیدی فوری برای ایالات متحده با متحدانش ایجاد نمی‌کند، بر «تأثیر بی‌ثبات‌کننده برنامه تسلیحاتی غیرقانونی» تأکید کرد.

کره‌شمالی از سال ۲۰۱۷ به این سو بمب هسته‌ای یا موشک بالستیک قاره‌پیمای دوربرد آزمایش نکرده است؛ اما انواع مختلفی از موشک‌ها و کلاهک‌های جنگی با قابلیت مانورپذیری بالاتر را توسعه داده و آزمایش کرده است که به گفته تحلیلگران احتمالا می‌توانند بر سامانه‌های دفاع موشکی مورد استفاده کره‌جنوبی و ایالات متحده غلبه کنند.

یکی از مشاوران پیشین ناسا می‌گوید جسمی که کره‌شمالی به فضا پرتاب کرده، فقط یک «بار» است و این «بار» می‌تواند یا ماهواره باشد یا یک «بار هسته‌ای» یا هر چیز دیگری. خواست کره‌شمالی فقط این بود که تمرین کند؛ چراکه هدف اصلی این بود که باری را از نقطه «ای» به نقطه «بی» که حدود سه یا چهار هزار کیلومتر باشد،



سکوت هشدار آمیز کره‌شمالی

این نکته تازه‌ای نیست و حکومت‌های استبدادی با دستکاری و ارائه اطلاعات غلط در رسانه‌ها، از آنها به سود منافع حکومت‌های خود استفاده کرده‌اند.

باین حال، برنامه‌های موشکی و تسلیحات هسته‌ای، منطق و جدول زمانی خاص خود را دارند. برخی از برنامه‌ها و اقدامات در واقع به‌عنوان تبلیغات برنامه‌ریزی شده‌اند، اما برخی دیگر صرفا الزاماتی هستند که باید انجام شوند. وجود دوره‌های طولانی بدون انتشار خبری از آزمایش‌های قابل شناسایی، قطعاً به این معنا نیست که برنامه‌های تسلیحاتی پیونگ‌یانگ، همان‌طور که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری سابق آمریکا به آن می‌باید، متوقف شده است. کره‌شمالی می‌تواند پیشرفت درخور توجهی در تأسیسات مخفی یا زیرزمینی داشته باشد و کره‌شمالی است.

درحال‌حاضر موانع باقی‌مانده حکومت کره‌شمالی در توسعه سلاح‌های هسته‌ای قابل نصب روی موشک (اکنون به‌طور بالقوه از طریق موشک‌های کروز مافوق صوت) شامل تکمیل فناوری لازم برای هدف‌گیری دقیق است. علاوه بر این، پیونگ‌یانگ باید اطمینان یابد که محموله‌های هسته‌ای پس از ورود مجدد به جو، مسیر درست خود را ادامه می‌دهد. این موضوعات به علم موشکی مربوط می‌شود. علاوه بر این، آزمایش سیستم‌های تسلیحاتی بسیار پیچیده اصلا ارزان نیست و همه چیز به درستی برنامه‌های توسعه، آزمایش و نتایج آن بستگی دارد.

اکنون پیونگ‌یانگ منظر انتخابات ریاست‌جمهوری کره‌جنوبی در ۹ مارس است. کاهش محبوبیت «مون جائه این»، رئیس‌جمهوری فعلی کره‌جنوبی، او را در موقعیتی ضعیف‌تر نسبت به ماه‌های قبل قرار داده است و «کیم جونگ اون» هیچ انگیزه‌ای برای کمک به تلاش‌های فزاینده مون برای برجاکذاشتن یک میراث از خود ندارد. اگرچه کیم جونگ اون پیروزی فردی را در انتخابات کره‌جنوبی ترجیح می‌دهد که از منفعلانه‌ترین سیاست در قبل رژیم خود حمایت کند، اما ممکن است عدم اطمینان و ریسک تلاش برای کمک به یک نامزد، موضع نامزد مقابل را تقویت کند؛ بهتر است قمار نکند و ناخواسته باعث پیروزی نامزد سخت‌گیرتر نشود. وجهه دیپلماتیک کیم جونگ اون به اندازه‌ای افت کرده است که کره‌شمالی اعلام کرده هیچ ورزشکاری در المپیک زمستانی اسامال که به میزبانی چین، نزدیک‌ترین متحدش، برگزار می‌شود، شرکت نخواهد کرد.

ناکارآمدی صبر استراتژیک

درحال‌حاضر آنچه کیم جونگ اون تصمیم می‌گیرد بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری کره‌جنوبی انجام دهد، قابل پیش‌بینی نیست؛ باین‌حال، مشکل آمریکا تنها این نیست که پیونگ‌یانگ چه در سر دارد. ما همچنین در معرض خطر بازگشت بایدن به سیاست دولت باراک اوباما مبنی بر «صبر استراتژیک» هستیم؛ تعبیری برای انجام هیچ کاری در مورد کره‌شمالی، به این امید که در ازای آن، پیونگ‌یانگ هر هیچ اقدام خطرناکی انجام نهد. متأسفانه

روزنه

تبانی یکن و مسکو بر سر خاورمیانه

رفیق خوری • کارشناس عرب

● دورنمایی که در حال حاضر از خاورمیانه در واشنگتن وجود دارد، مانند گذشته‌ها نیست. نه به دلیل اینکه اوضاع سیاسی خاورمیانه دچار دگرگونی‌های زیادی شده است، بلکه به خاطر اینکه در دیدگاه آمریکا در مورد این منطقه دگرگونی اساسی پدید آمده است. این تغییر و تحول دو عامل دارد: عامل نخست این است که پروژه‌های آمریکا در خاورمیانه، چه پروژه «ملت‌سازی» و چه پروژه «خاورمیانه بزرگ» که پس از اشغال عراق مطرح کرده بود، همه به شکست انجامید و حمله‌های نظامی‌اش هم نتیجه مطلوبی به بار نیاورد؛ از این‌رو آمریکا دیگر از پرداخت این همه پول و دادن این همه قربانی خسته شده است و می‌خواهد گلیم خود را از آب بیرون بکشد.

عامل دوم، به تغییر اولویت‌های ایالات متحده آمریکا برمی‌گردد؛ در شرایط کنونی اولویت واشنگتن نه خاورمیانه، بلکه خاور دور است که کانون ثروت و قدرت محسوب می‌شود و بر سر آن با چین و روسیه رقابت دارد. اکنون آمریکا خود را از خط سنتی که از دوران آیزنهاور تا دوران جورج بوش پسر ترسیم کرده بود، بیرون کشیده است. خطی که در زمان ریاست‌جمهوری ریگان به اوج رسید و در زمان ریاست‌جمهوری جورج بوش پدر «توفان صحرا» را رقم زد. خروج از این خط سنتی از زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما آغاز و در زمان دونالد ترامپ یگیری شد و دولت جو بایدن برخلاف وعده‌هایی که داده بود تاکنون آن را ادامه داده است. خروج متفحصانه آمریکا از افغانستان بر اساس توافق با طالبان، در چارچوب سیاست «خروج از جنگ‌های بی‌پایان» صورت گرفت اما این خروج، آمریکا را تکان داد و خاورمیانه را دچار بی‌ثباتی کرد. حال که اعتبار آمریکا زیر سؤال رفته است، این پرسش مطرح می‌شود که خروج آمریکا از خاورمیانه تا چه اندازه خواهد بود. ریچارد هاس، رئیس اندیشکده روابط خارجی آمریکا و مسئول پیشین برنامه‌ریزی در وزارت خارجه آمریکا، از تمرکز آمریکا بر خاورمیانه انتقاد می‌کند و می‌گوید: «چرا به منطقه‌ای تمرکزکنیم که فقط پنج درصد جمعیت جهان را در خود جای داده و اقتصادش متکی بر نفت است و هیچ قدرت بزرگ جهانی هم در آنجا نیست؟» اما مارتن اندیک، سفیر پیشین آمریکا در اسرائیل، نظرش این است که «خاورمیانه هنوز هم از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا در تقاطعی میان اروپا و آسیا واقع شده و دارای موقعیت ژئواستراتژیک مهمی است. گذشته از آن متحدان آمریکا برای حفظ امنیتشان به این منطقه متکی‌اند».

این در حالی است که وعده‌های دولت بایدن به چند مورد محدود خلاصه می‌شود: ابقای یک نیروی کوچک در سوریه و شماری مشاوران بدون مسئولیت نظامی در عراق، کمک به عربستان سعودی در تأمین امنیتش در برابر حملات حوثی‌ها و دعوت به تکمیل «پیمان ابراهیم» میان کشورهای عربی و اسرائیل، اما بدون برداشتن گام عملی برای حل منازعه ریشه‌دار فلسطین‌اسرائیل.

قدرت اثرگذار دیگر در منطقه روسیه است. یکی از آرزوهای دیرین روسیه رسیدن به آب‌های گرم است که هم در زمان تزارها و هم در دوران اتحاد جماهیر شوروی و هم در دوران تزار جدید، ولادیمیر پوتین، برای تحقق آن تلاش کرده است. دولت تزاری روسیه یک ناوگان جنگی به بیروت فرستاد و پس از درگیری با عثمانی‌ها، در سوریه، لبنان و فلسطین مدرسه تأسیس کرد. شوروی به مصر، سوریه، عراق و یمن جنوبی کمک کرد. پوتین نیز در جنگ سوریه مداخله نظامی کرد، باسار اردن نجات داد و پایگاه‌های دریایی و هوایی در سوریه تأسیس کرد که در نتیجه، نقش سیاسی و نظامی‌اش در خاورمیانه تثبیت شد؛ اما مهم‌تر از همه این است که روسیه با تغییر اوضاع و شرایط، دست از کمک به متحدان خود برنمی‌دارد.

قدرت بزرگ دیگر در منطقه چین است. چین برای به دست آوردن جایگاه و ایفای نقش در خاورمیانه، کار خود را با طرح «یک کمربند، یک راه» آغاز کرد. چین برای برآوردکردن این طرح یک تریلیون دلار را تخصیص داده است تا با ایجاد زیرساخت‌های مناسب «راه ابریشم» را زنده کند، راهی تاریخی که در هزاره نخست چین را با جهان پیوند می‌داد و چین در آن زمان مهم‌ترین تمدن و نیرومندترین قدرت در جهان بود. اکنون چین در تبانی با روسیه در رقابت سختی با آمریکا قرار گرفته است و آرزو دارد که در نقش یک ابرقدرت جهانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی و بازرگانی خود ظاهر شود و قصد تغییر نظام‌ها و نقشه کشورها را ندارد.

اکنون با توجه به شانه خالی‌کردن آمریکا از بسیاری از تعهدها و مسئولیت‌هایش، کشورهای منطقه به سوی چین و روسیه آغوش باز کرده‌اند، اما بسیار دشوار است که چین و روسیه بتوانند نقش جایگزین آمریکا را در منطقه ایفا کنند. آمریکا در رابطه با اینکه تا چه اندازه در منطقه خارج شود و تا چه اندازه در سرزوشن آن مداخله کند دچار اختلاف‌های داخلی شده است و در این زمینه میان نجنگان سیاسی آمریکا اختلاف‌نظر وجود دارد. به هر ترتیب، آمریکا می‌خواهد از خاورمیانه خارج شود تا در خاور دور با چین و روسیه به مقابله بپردازد، ولی خروج آمریکا از خاورمیانه به چین و روسیه فرصت می‌دهد تا در این منطقه نفوذ خود را گسترش دهند که البته تناقضی بزرگ و قابل‌تأمل است.

بی‌عملی و بی‌توجهی بایدن به کره‌شمالی، به این معناست که این کشور با استفاده از انفعال سه رئیس‌جمهوری اخیر ایالات متحده، در حال نزدیک شدن به حقیقت ناخوشایند داشتن سلاح‌های هسته‌ای قابل نصب روی موشک‌های قاره‌پیماست.

صبر استراتژیک راه‌حل این بحران نیست. اولویت اول واشنگتن باید افزایش اقدامات برای جمع‌آوری اطلاعات علیه برنامه موشک‌های مافوق صوت پیونگ‌یانگ و پاسخ به سوالاتی مهم باشد. باید دریافت این برنامه درحال‌حاضر چقدر پیشرفته است و آیا با برنامه‌ای معادل شبکه اشاعه هسته‌ای عبدالقدرخان، پایه‌گذار برنامه غنی‌سازی اورانیوم پاکستان، روبه‌رو هستیم؟

کره‌شمالی چه کمک‌هایی از روسیه یا چین دریافت کرده است؟

مسکو و یکن مدت‌هاست کمک به برنامه هسته‌ای و موشکی کره‌شمالی یا ایران را رد کرده‌اند. البته قابلیت‌های موشک‌های کروز مافوق صوت توانایی جادویی به نظر نمی‌رسد، اما دشمنان استراتژیک اصلی آمریکا با انتقال فناوری پیشرفته به کشورهای سرکش، مزایای فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی این کشور است. آنها به صورت مخفیانه کار می‌کنند و زمانی که لازم باشد، عملیات قابل مشاهده بیشتری برای حل مشکلات موجود انجام می‌شود. برای مثال، در حالی که از سال ۲۰۱۷ هیچ آزمایش موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایی از سوی کره‌شمالی انجام نشده، پرتاب‌ها و آزمایش‌های دیگر با برد کوتاه‌تر و فناوری قابل انتقال آسان به موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای را آزمایش کرده‌اند، اما بدون هیاهو و تبلیغات. بر همین اساس، شلیک‌های موشکی اخیر هم یک آزمون برای رفع نواقص و توسعه قابلیت‌های موشکی مختلف کره‌شمالی است.

درحال‌حاضر موانع باقی‌مانده حکومت کره‌شمالی در توسعه سلاح‌های هسته‌ای قابل نصب روی موشک (اکنون به‌طور بالقوه از طریق موشک‌های کروز مافوق صوت) شامل تکمیل فناوری لازم برای هدف‌گیری دقیق است. علاوه بر این، پیونگ‌یانگ باید اطمینان یابد که محموله‌های هسته‌ای پس از ورود مجدد به جو، مسیر درست خود را ادامه می‌دهد. این موضوعات به علم موشکی مربوط می‌شود. علاوه بر این، آزمایش سیستم‌های تسلیحاتی بسیار پیچیده اصلا ارزان نیست و همه چیز به درستی برنامه‌های توسعه، آزمایش و نتایج آن بستگی دارد.

اکنون پیونگ‌یانگ منظر انتخابات ریاست‌جمهوری کره‌جنوبی در ۹ مارس است. کاهش محبوبیت «مون جائه این»، رئیس‌جمهوری فعلی کره‌جنوبی، او را در موقعیتی ضعیف‌تر نسبت به ماه‌های قبل قرار داده است و «کیم جونگ اون» هیچ انگیزه‌ای برای کمک به تلاش‌های فزاینده مون برای برجاکذاشتن یک میراث از خود ندارد. اگرچه کیم جونگ اون پیروزی فردی را در انتخابات کره‌جنوبی ترجیح می‌دهد که از منفعلانه‌ترین سیاست در قبل رژیم خود حمایت کند، اما ممکن است عدم اطمینان و ریسک تلاش برای کمک به یک نامزد، موضع نامزد مقابل را تقویت کند؛ بهتر است قمار نکند و ناخواسته باعث پیروزی نامزد سخت‌گیرتر نشود. وجهه دیپلماتیک کیم جونگ اون به اندازه‌ای افت کرده است که کره‌شمالی اعلام کرده هیچ ورزشکاری در المپیک زمستانی اسامال که به میزبانی چین، نزدیک‌ترین متحدش، برگزار می‌شود، شرکت نخواهد کرد.

ناکارآمدی صبر استراتژیک

^[1] منبع: وب‌سایت ۱۹۴۵